

## بررسی ابعاد تاریخی-ادبی «مغازی‌النبی»؛ یگانه منظومه تاریخ پیامبر در کشمیر

۱- مهدی اسلامی

### چکیده

در میان آثار ادبی روایت بخش‌هایی از زندگی پیامبر و ستایش از ایشان پربسامد است اما اندک‌شماری از متون ادب فارسی به روایت کامل زندگی پیامبر پرداخته‌اند که یکی از مهم‌ترین این آثار، منظومه «مغازی‌النبی» صرفی‌کشمیری است که فرسنگ‌ها دورتر از پایتخت سیاسی ایران در کشمیر، سروده شده است. این اثر، نمونه بی‌همتا و جامع از تاریخ پیامبر به‌شمار می‌رود که گمنام مانده است. این نوشتار در پی پاسخ به این سوال است که مؤلفه‌های «مغازی‌النبی» به‌عنوان یک «منظومه تاریخی» و شیوه روایت صرفی از تاریخ پیامبر چگونه است؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و در آن ضمن معرفی صرفی، به تحلیل ساختار «مغازی‌النبی» در پنج مختصه «تاریخ‌نگاری»، «رویکرد تحلیلی»، «جزئی‌نگری»، «روایت‌گری» و «انعکاس اعتقادات» پرداخته شده است. حاصل پژوهش بیانگر آن است که صرفی همانند مورخان، به شیوه‌ای مستند جزئیات زندگی پیامبر را شرح داده است که نمی‌خواهد هیچ‌یک از وقایع و شخصیت‌های زمان ایشان فراموش شود؛ از این‌رو، به‌جای استفاده کردن از زبان شاعرانه و عناصر ادبی، در پی روایت تاریخ با زبانی ساده است؛ به‌گونه‌ای که، کیفیت روایت بر عناصر شاعرانه متن تسلط دارد.

**کلیدواژه‌ها:** مغازی‌النبی، کشمیر، تاریخ منظوم، صرفی‌کشمیری، تاریخ پیامبر.

### ۱- مقدمه

در قرن دهم، هم‌زمان با ایران، زبان و ادبیات فارسی در هند و کشمیر رونق داشت و چه‌بسا، رونق ادبیات فارسی در هند بیش از ایران بود؛ افزون بر اینکه پادشاهان ادب‌دوست از شعر و زبان

---

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع) Email: M.eslami@isri.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۱۹

فارسی حمایت می‌کردند. زبان فارسی در دوره گورکانیان و از زمان «شاه زین‌العابدین شهمیری» در کشمیر زبان رسمی و جایگزین زبان سانسکریت شد. در این دوره درخشان، در هند و کشمیر آثار بسیاری به شعر و ادبیات فارسی تقدیم می‌شود و حتی سبکی به نام «سبک هندی» شکل می‌گیرد. از این رو، می‌توان گفت حکومت‌های مسلمان در هند، سهم عمده‌ای در رشد و توسعه تمدن و فرهنگ، به‌ویژه هنر و ادبیات فارسی، داشتند و ادبا و شعرای ایرانی، هند را موطن دوم خود می‌دانستند؛ ولی در واقع، عصر طلایی فارسی‌سرایان هند مربوط به دوران حکومت گورکانیان هند است (سلیمی، ۱۳۷۲: ۱۲۸). این دوره با دوران سلطه صفویان در ایران هم‌زمان است. در این دوره، هرچه بازار شعر و شاعری در دربار گورکانیان گرم و پررونق بود، در عوض پادشاهان صفوی به شعر و شاعری توجهی نداشتند (نفیسی، ۱۳۶۳: ۳۵۲/۱). درخشان‌ترین دوره حکومت گورکانیان از نظر قدرت سیاسی و توسعه فرهنگ و ادب فارسی در هند، دوره جلال‌الدین اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) بود. وی در مرتبه‌ای از ترویج شعر پارسی و پرورش شاعران قرار داشت که هیچ‌کس از شاهان ایران و هند و منتسب به فرهنگ ایرانی بدان نرسیدند (صفا، ۱۳۷۸، ج ۵، بخش ۱: ۴۵۵). نتیجه این وضعیت سیاسی و فرهنگی رشد شاعرانی چون شیخ‌یعقوب صرفی است که آثار فراوانی در حوزه‌های ادبی-تاریخی و دیگر موضوعات فرهنگ اسلامی خلق کرده‌اند.

#### ۱-۱- بیان مساله و سؤالات تحقیق

در فرهنگ و تمدن اسلامی شاعران، به روش‌های گوناگون، به زندگی و شخصیت پیامبر توجه داشتند و این موضوع را، به‌اجمال یا تفصیل، در آثار خود منعکس می‌کردند؛ به‌طوری‌که، این موضوع به یکی از اجزای اصلی سروده‌های آنان، به‌ویژه مثنوی‌های فارسی، تبدیل شد. یکی از این منظومه‌ها که به تفصیل، به رویدادهای زندگی نبی اکرم پرداخته است، «مغازی‌النبی» اثر صرفی کشمیری می‌باشد. شوربختانه، این اثر، که یگانه منظومه جامع درباره زندگی پیامبر به شمار می‌رود و تا کنون برای آن نظیری یافته نشده، در پرده گمنامی مانده است. پاسخ به پرسش‌های زیر می‌تواند ضمن ترسیم ویژگی‌های «مغازی‌النبی»، کیفیت روایت تاریخ زندگی پیامبر را در این اثر روشن کند:

- مؤلفه‌های «مغازی‌النبی» به‌عنوان یک «منظومه تاریخی» چیست؟
- شیوه روایت صرفی از تاریخ زندگی پیامبر چگونه است؟

## ۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

با بررسی‌های انجام‌شده تاکنون درباره معرفی ابعاد تاریخی و کیفیت روایت «مغازی‌النبی» به‌عنوان یک «تاریخ منظوم» اقدامی صورت نگرفته است؛ افزون‌براین، درباره خود اثر اطلاع زیادی وجود ندارد. این موضوع لزوم پرداختن به «مغازی‌النبی» و معرفی آن به‌عنوان یک «تاریخ منظوم» را نمایان می‌کند. هدف از انجام این پژوهش دستیابی به مولفه‌های مغازی‌النبی به‌عنوان یک منظومه تاریخی و بیان چگونگی روایت زندگی پیامبر در این اثر ادبی-تاریخی است.

## ۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

در نوشتار پیش‌رو، با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی «مغازی‌النبی» صرفی کشمیری پرداخته شده است. نگارنده ضمن تبیین اجمالی «مغازی‌نویسی» به معرفی مختصر «صرفی» و تحلیل ساختار این اثر پرداخته است. همچنین، چگونگی روایت زندگانی پیامبر را تحلیل و ویژگی‌های خاص این اثر را به صورت مفصل بررسی کرده است.

## ۱-۴- پیشینه تحقیق

شماری از پژوهشگران اهل کشمیر و پاکستان درباره «صرفی کشمیری» مطالبی نوشته‌اند که عمده تمرکزشان بر جنبه‌های عرفانی این شاعر بوده است. مهم‌ترین آن‌ها سه نوشتار کوتاه از «محمد ظفرخان» است که در نشریه *هلال* به سال‌های ۱۳۴۰، ۱۳۴۸ و ۱۳۵۰ به چاپ رسیده است. پژوهش دیگری نیز به قلم اسلامی و همکارانش در مجله *سبک‌شناسی نظم و نثر* انجام شده است که در آن «نسخ خطی و سبک‌شناسی» اثر یادشده معرفی شده است (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱)، ولی درباره تحلیل و بررسی این اثر از دیدگاه مولفه‌های ادبی-تاریخی تا کنون پژوهشی انجام نشده است.

## ۲- بحث

### ۲-۱- شیخ یعقوب صرفی کشمیری

شیخ‌یعقوب صرفی‌کشمیری، متخلص به صرفی، از دانشمندترین مردم در عصر خود و مورد احترام قاطبه مردم هندوستان، در سال ۹۲۸ ه.ق. (۱۵۲۱ م) متولد شد (عرفانی، ۱۳۳۵:

۱۴۳). به اتفاق تذکره‌نگاران او با آثار غنی فلسفی، عرفانی، اخلاقی و اشعار ناب خویش توانست در ردیف بزرگ‌ترین عرفا و مبرزترین علمای دوره جلال‌الدین محمد اکبر جای خود را پیدا کند. بنا به نوشته عبدالقادر بدائونی در منتخب‌التواریخ هم همایون پادشاه و هم اکبر پادشاه به صرفی «اعتقاد غریب» داشتند و او را «معزز، مکرم و محترم» می‌دانستند (بدائونی، ۱۸۶۹: ۱۴۲/۳).

«صرفی در آغاز جوانی مدتی را در زادگاهش به ریاضت و عبادت پرداخت و بعد از آنکه رموز صوفیه و علوم عقلی را آموخت، کشمیر را به قصد سمرقند ترک کرد» (صرفی، مغازی: ب ۳۸۸-۳۹۰). «صرفی در حلقه اصحاب شیخ‌کمال‌الدین حسین خوارزمی، پیشوای طریقه نقشبندی، درآمد. پس از چندی، شیخ به او اجازه ارشاد و خرقه داد» (سبحانی، ۱۳۷۷: ۳۲۹). «سفر به سمرقند، مقدمه سفرهای طولانی و پی‌درپی صرفی برای رسیدن به حقیقت بود. «صرفی در این سفرها مشایخ بسیاری را دید و از ایشان رخصت هدایت گرفت و مریدان بسیاری در همه‌جا داشت» (نفیسی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۷۰).

از جمله این سفرها، «سفر به مشهدالرضا و دیگر شهرهای ایران، از جمله تربت‌جام، سمنان، قزوین و... بود. در طی همین سفرها به بارگاه شاه‌تھماسب صفوی راه می‌یابد و مورد توجه وی واقع می‌گردد» (صرفی، همان: ب ۵۳۶-۵۳۸). «پس از آن، صرفی به سمت عراق حرکت کرد. در بغداد درس حدیث را از «ابن حجر مکی» فراگرفت» (آفاقی، ۱۳۴۹: ۲۰). «صرفی پس از این سفر دور و دراز و پس از کسب فیض علمی و عرفانی از محضر استادان مختلف، به‌جانب کشمیر بازگشت و سرانجام، صرفی در دوازده ذی‌قعدة سال ۱۰۰۳ ه.ق. در کشمیر دار فانی را وداع گفت» (عاشقی عظیم‌آبادی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۹۱۱).

شیخ‌یعقوب صرفی «در محله «زینه کدل» سرینگار مدفون است» (عرفانی، صدیق ۲، ۱۳۸۵: ۳۸۲) ۱۵۶). و این مقبره هنوز موجود است (تیکو، ۱۳۴۲: ۸).

اغلب افرادی که «درباره صرفی مطالبی نوشته‌اند، در درجه اول او را عالم و دانشمند می‌دانند و معتقدند شاعری، دون مرتبه صرفی بود؛ (از جمله: همان: ۹۱۱؛ صدیق، همان: ۴۰۹)؛ به‌گونه‌ای که، «شعر دوستان و ادب‌پرووران زمان برای حل‌وفصل مشکلات شعر و عموماً معماهای ادبی دور، به صرفی رجوع می‌کردند» (غفاروا، ۱۳۹۰: ۱۹۶).

صرفی از نامداران ادب فارسی کشمیر است که در مثنوی‌های پنجگانه خود، خمسه نظامی را جواب گفته است (وظیفه‌دان ملاحاهی، ۱۳۹۳: ۱۵۰).

مثنوی های خمسه او عبارت‌اند از: ۱- مسلک‌الأخیار (سال تصنیف ۹۹۳) در مقابل مخزن‌الأسرار.

۲- وامق و عذرا (سال تصنیف ۹۹۳) در مقابل خسرو شیرین.

۳- لیلی و مجنون (سال تصنیف ۹۹۸) در مقابل لیلی و مجنون نظامی.

۴- مغازی النبی (سال تصنیف ۱۰۰۰) در مقابل اسکندرنامه و مقامات مرشد (سال تصنیف ۱۰۰۰).

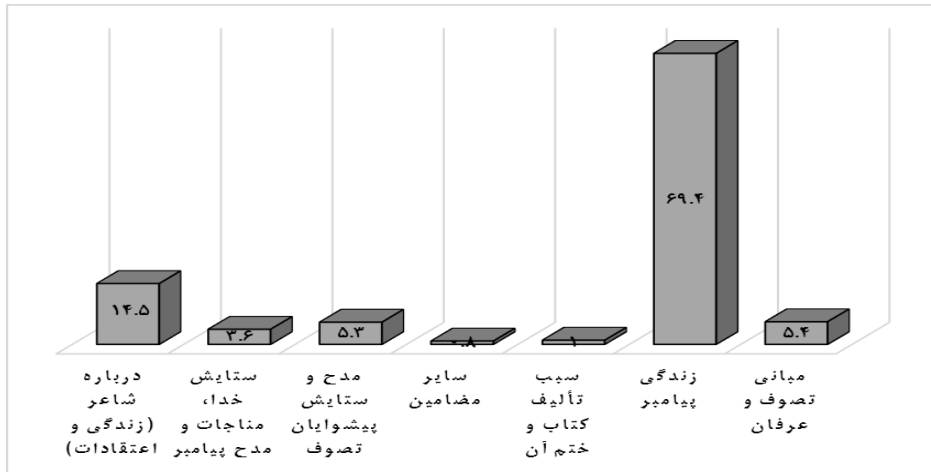
## ۲-۲- مغازی

«مغازی» در لغت از ریشه غزو گرفته شده است و «الغزو» یعنی جنگ و گریز و درگیری (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۰۶ و طریحی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۳۱۵). در اصطلاح، غزوه به جنگ‌های عصر حضرت پیامبر، که به فرماندهی ایشان انجام می‌گرفت، گفته می‌شود. «مغازی، جمع «مغزی» و «مغزه» و اسم مکان به معنای محل غزوه و غزوات است» (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴: ۴۳۹-۴۴۰). البته، بنابر نظر برخی کارشناسان معاصر، «اولین مطالعات زندگی رسول اکرم «مغازی» نامیده می‌شود» (الدوری، ۲۰۰۷ م: ۱۹ و ۵۳). مغازی معنای عام و خاص دارد: «در معنای عام مترادف با سیره است؛ و در معنای خاص، دربرگیرنده تاریخ جنگ‌های پیامبر اسلام است» (مرادی نسب، ۱۳۸۲: ۲۸). اهمیت و ضرورت مغازی‌نگاری افزون‌بر ثبت و روایت یک رخداد تاریخی مهم، در سخنان پیشوایان معصوم نیز به‌روشنی دیده می‌شود. امام زین‌العابدین می‌فرماید: «كُنَّا نُعَلِّمُ مَغَازِي النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - كَمَا نُعَلِّمُ السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ» (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۳: ۲۶۲) همچنین، این موضوع در سیره عملی معصومان نیز مشاهده می‌شود، چنان‌که «در میان اخبار امام باقر و امام صادق سیره و مغازی فراوان دیده می‌شود» (جعفریان، ۱۳۷۶: ۱۰۴). «شیعیان نیز به پیروی از ائمه هدی نقش اثرگذاری در مغازی‌نگاری دارند» (یعقوبی و منتظری‌مقدم، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

### ۲-۲-۱- مغازی‌النبی در یک نگاه

بررسی نسخه خطی مغازی حاکی از آن است که این اثر تنها به زندگی پیامبر اختصاص ندارد و از مباحث متعددی تشکیل شده است. در نگاهی کلی می‌توان آنها را در هفت محور تقسیم کرد که به ترتیب بسامد عبارت‌انداز: زندگی پیامبر، زندگی و افکار شاعر، مبانی عرفان و تصوف، ستایش پیشینیان تصوف، حمد خداوند و ستایش پیامبر، سبب تألیف کتاب و ختم آن و دیگر مضامین که

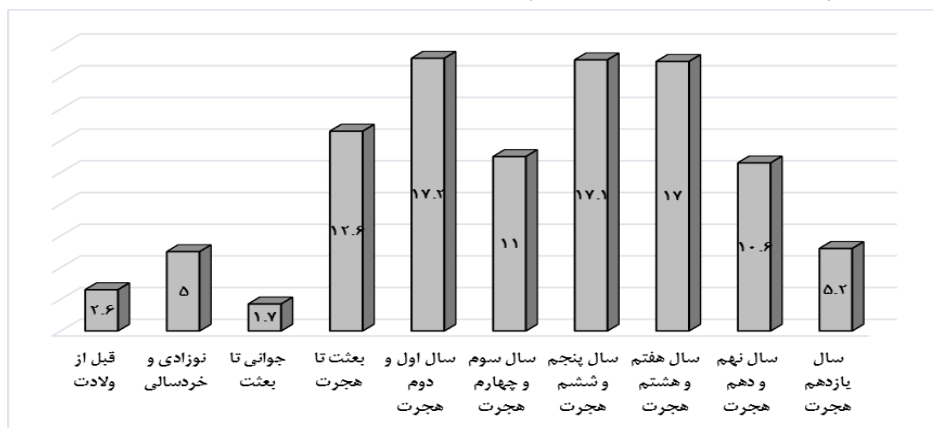
به صورت نموداری در شکل زیر آمده است:



نمودار ۱: محتوای تفکیکی مغازی (مولف)

### ۲-۲-۲- بخش‌بندی مطالب ارائه‌شده درباره پیامبر

موضوع زندگی پیامبر را در این اثر می‌توان به پنج دسته کلی تقسیم کرد: بخش نخست مربوط به وقایع پیش از ولادت پیامبر است؛ سال‌های نخست زندگی و نوزادی و خردسالی تشکیل دهنده بخش دوم و سال‌های جوانی و میان‌سالی آن حضرت تا زمان بعثت بخش سوم مطالب است. بخش چهارم بعثت تا هجرت و بخش پنجم سال‌های پس از هجرت و رحلت پیامبر دربرمی‌گیرد.



نمودار ۲- بخش‌بندی مطالب ارائه‌شده درباره پیامبر (مولف)

### ۲-۳- مختصات تاریخ‌نگاری «مغازی»

ویژگی‌های تاریخی-ادبی اثر مذکور را می‌توان در پنج مختصه «مستند بودن»، «تحلیلی بودن»، «جزئی‌نگری»، «به‌کارگیری تکنیک‌های روایت‌گری» و «انعکاس اعتقادات و تفکرات شاعر در متن تاریخ» خلاصه کرد که هر یک از این مختصات، مؤلفه‌های مختلفی دارند که در تحلیل به جوانب گوناگون آنها خواهیم پرداخت.

#### ۲-۳-۱- مستند بودن مطالب ارائه‌شده

یکی از شگردهای تاریخ‌نگاری قدیم، اثبات از طریق گذشته بوده است (نصرالهی و عباس‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۰۵)؛ به‌همین دلیل، صرفی نیز کوشیده تا از منابع مختلف در مسیر تاریخ‌نگاری خویش استفاده کند.

#### ۲-۳-۲- استنادهای درون‌متنی

شاعر در بخش‌های مختلف، منابع استفاده شده خود را معرفی کرده که بیشتر کتاب‌های «روضه»، «منابع حدیثی» و «تاریخ دینی» است:

پس از روضه آن غزوها انتخاب نمودم که سفتم در آن دُر ناب

(صرفی، نسخه خطی شماره ۲۵۵۱۶: بیت ۸۳۹)

بدان‌سان که این غزوه مذکور گشت بدیدیم در روضه آن سرگذشت

ولی در کتابی دگر غیر از این ندیدیم آن قصه را این چنین

(همان: ابیات ۵۶۵۰-۵۶۵۲)

صرفی در سرودن مغازی افزون‌بر منابع شفاهی، از منبعی نام برده است که آن را «روضه» می‌خواند. با بررسی‌های انجام‌شده به نظر می‌رسد منظور صرفی از روضه، کتاب «روضه‌الاحباب فی سیرالنبی و الال و الاصحاب» اثر جمال‌الدین حسینی است که به درخواست امیر علی شیر نوائی (متوفی ۹۰۶) در سه مجلد به زبان فارسی نوشته شده است. وی افزون‌بر روضه، از «صحیح بخاری» نیز به‌عنوان یکی دیگر از منابع خود نام برده است:

در این کنیت آمد به روضه چنین ولی در صحیح بخاری بین

(همان: بیت ۲۳۳۸)

### ۳-۲-۳- مستند قرار دادن روایت‌های اهل سنت

با بررسی‌های انجام‌شده در متن مغازی‌النبی نگارنده به این نتیجه رسیده که صرفی در روایت‌های خود به منابع اهل سنت توجه داشته است که در ادامه، نمونه‌هایی از آن بیان می‌شود: شاعر با بیان اختلاف‌نظرهای موجود دربارهٔ زمان ولادت حضرت پیامبر تاریخ درست را از دیدگاه خود بیان می‌کند:

ربیعی که اول بود آن مه است      توان گفتن آن را که شهر الله است  
از آن دوازده روز بگذشته بود      که او جلوه بر سطح غربا نمود  
(همان: ابیات ۱۰۲۴-۱۰۲۵)

این دیدگاه صرفی مطابق دیدگاه اهل سنت است که به نظر کهن‌ترین نص آن، مربوط به ابن هشام است (ابن هشام، بی‌تاریخ، ج ۱: ۱۵۸؛ طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۲: ۱۵۶). صرفی نخستین اشخاصی که به دین اسلام روی آورده‌اند را در ابیات (۱۴۹۴-۱۵۰۰) معرفی می‌کند. دیدگاه صرفی دربارهٔ این موضوع با دیدگاه ابن حجر در کتاب «الإصابة»، مطابقت دارد که نخستین مسلمان از کودکان را امام علی، از زنان، خدیجه، از موالی زید بن حارثه و از بندگان بلال حبشی دانسته است. او ابوبکر را اولین مرد آزاد می‌داند که مسلمان شد (ابن حجر، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۸۴).

### ۴-۳-۲- ارجاعات کلی

صرفی برای نشان دادن درستی و اصالت مطالب ارائه‌شده در ابتدای روایت‌ها با تعابیر و ارجاعات کلی همانند «برآئند اهل سیر»، «برآئند اصحاب صدق و قبول» و «برآئند جمهور اهل سیر» مطالب ارائه‌شده را به سیره‌نویسان و اهل حدیث در زمان‌های گذشته ارجاع می‌دهد:

برآئند جمهور اهل سیر      که از بهر ارضاع خیرالبشر  
(صرفی، همان: بیت ۱۰۵۹)

### ۴-۲-۴- ارائهٔ تاریخ تحلیلی

بیشتر شاعرانی که به شکل منظوم دربارهٔ تاریخ حیات پیامبر شعر سروده‌اند از شیوهٔ تاریخ‌نگاری روایی استفاده کرده‌اند و روش آن‌ها در بیان مطالب به شیوهٔ نقلی است؛ ولی صرفی کوشیده است که در تاریخ خود به تجزیه و تحلیل حوادث بپردازد. بیشتر تحلیل‌هایی که شاعر ارائه نموده است



در ارتباط با وقایع و زمینه‌های پیش از وقوع جنگ‌ها و پیامدهای آن، ارائه دیدگاه افراد مختلف دربارهٔ حوادث و برداشتی عبرت‌آموز از رخداد‌های تاریخی است که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود:

#### ۱-۴-۲- چرایی وقوع غزوه‌ها و سربیه‌ها (تحلیل جنگ‌ها)

شاعر در بیان روایت‌های تاریخی به گزارشگری بسنده نمی‌کند؛ بلکه پیش یا پس از وقوع حوادث دلایل رویداد مورد اشاره را بیان می‌کند از جمله در بیان دلیل وقوع غزوهٔ «حمراء الاسد» در ابتدای توصیف غزوه دلیل وقوع آن را می‌گوید:

یقین شد که بسیار زار و زبون شدند اهل دین محمد کنون

همی خواستند آنکه برگشته باز بیایند پرخاش را کرده ساز

از آن معنی آگاه شد مصطفا به غیرت درآمد شه انبیا

ز غیرت پی دفع آن اعتقاد برآمد دگر سوی اهل عناد

(همان: ابیات ۳۳۵۳-۳۳۵۹)

درست است که عنوان اثر مغازی است، ولی شاعر به بیان جزئیات سربیه‌ها (جنگ‌های دورهٔ پیامبر بدون حضور مستقیم و به فرماندهی یکی از اصحاب) پرداخته است، وی افزون‌بر گزارش همهٔ سربیه‌ها به معرفی تقریباً، همهٔ فرماندهان سربیه‌ها پرداخته و به علل وقوع و نتایج آن‌ها نیز اشاره کرده است:

همین سال بود آن سربیه کامیر در آن بود زید سعادت مصیر

(همان: بیت ۳۰۰۷)

#### ۲-۴-۲- عبرت‌گیری از وقایع

صرفی در مغازی‌النبی، تنها در پی روایت تاریخ نیست؛ وی هر زمان که مجالی در میان روایت‌گری خود پیدا می‌کند با عبارتهایی مانند «صرفیا چشم عبرت‌گشا» خواننده را به عبرت‌گیری از وقایع تاریخی فرامی‌خواند.

### ۵-۲- تکنیک‌های روایت‌گری

شاعر برای روایت وقایع زندگی پیامبر از تکنیک‌های مختلفی استفاده کرده است که مهم‌ترین آنها فاصله گرفتن از زبان ادبی است. یکی دیگر از ویژگی‌های «مغازی‌النبی» وصف‌های دقیق و جزئی، در بیان مباحث است. وصف صرفی از صحنه‌ها و جنگ‌هایی که خود پیامبر در آن حضور دارند چنان روشن است که خواننده تصور می‌کند در حال تماشای آن اتفاقات است. افزون‌براین، دقت در جزئیات در متن مغازی‌النبی به شکلی است که مخاطب قابلیت تجسم رویدادهای گزارش شده را دارد.

#### ۱-۵-۲- دوری از زبان ادبی در روایت تاریخ

شاعر در این اثر، برخلاف آثار منظوم ادبی، تا حد امکان از صنایع و آرایه‌های ادبی کم استفاده کرده است. {صرفی} در این اثر از ترکیبات غریب و تشبیهات دور از ذهن استفاده نکرده است. او همانند مورخی آزاداندیش و غیرمتعصب از منابع تاریخی آن دوره بهره برده است (ظفرخان، ۱۳۵۰: ۲۵). فقط در بخش‌های آغازین کتاب با اشعار دارای صنایع ادبی و صورخیال برخورد می‌کنیم که این موضوع در بخش حمد و ثنای خداوند پررنگ‌تر است:

به گُنه کمالت خرد اَکمه است      ز طاق تو دست فلک کُته است

خرد جسته جسته ز ره باز ماند      فلک گشته گشته به ره پَر فشاند

ز تو هستی از نیستی نقش بست      تویی نیست سازنده هرچه هست

ملون بسیط زمین کرده ای      منقش بساطی بگسترده ای

(صرفی، همان: ابیات ۱۴-۱۷)

اما با خروج از این بخش و ورود به تاریخ پیامبر زبان کاملاً ساده و تقریباً عاری از پیرایه‌های ادبی مشهود است. یکی از این نوآوری‌های روایت حیات حضرت محمد در مغازی استفاده از زبانی ساده است که مخاطب بدون وقفه و ابهام از روند زندگانی و جنگ‌های آن حضرت آگاه

می‌شود. دلیل این امر نیز آن است که صرفی با این سبک می‌کوشد تا تاریخ پیامبر را احیا کند تا اینکه خود را شاعری توانمند معرفی کند.

### ۲-۵-۲- جزئی‌نگری

یکی دیگر از نکات توجه‌برانگیز در بیان جزئی‌نگرانه صرفی غافل نشدن وی از شخصیت‌ها، بیان بخشش‌ها، وقایع، دیدارهای پیامبر و... است.

### ۳-۵-۲- معرفی دقیق افراد و بیان وجه‌تسمیه القاب، کنیه‌ها و غزوها

یکی از ویژگی‌های منظومه تاریخی «مغازی‌النبی» غافل نشدن شاعر از هیچ‌کدام از شخصیت‌های مثبت و منفی زمان پیامبر است. وی تا جایی‌که امکان داشته اشخاص و چهره‌ها را برای خواننده معرفی و ویژگی‌ها و رفتارهای وی را وصف کرده است:

#### معرفی و توصیف شخصیت عامر

همین سال هم عامر فتنه‌گر که بوده است مالک مر او را پدر

رئیس بنی‌عامر او بود و بس نبوده است در پایه‌اش هیچ‌کس  
(همان: ابیات ۳۵۶۶-۷)

#### دلیل انتخاب کنیت بوتراب

در این غزوه شد مرتضی کامیاب که کنیت نهادش نبی بوتراب

...

چو بود آن زمین سر به سر ریگ‌زار و زان بر علی بود گردوغبار

به او وقت بیدار کردن زخواب بگفتا که برخیز ای بوتراب  
(همان: ابیات ۲۳۲۶-۲۳۳۲)

در مغازی شاهد معرفی شخصیت‌هایی هستیم که اطلاع چندانی از آن‌ها در تاریخ وجود ندارد: شنیدیم که بدطینت و بدکلام یهودی زنی بود عصماش نام

به تغییر اسلام و هجو رسول زبان می‌گشاد آن زن ناقبول  
(همان: ابیات ۲۸۷۰-۷۱)

#### ۴-۵-۲- توصیف کیفیت جنگ‌ها

از دیگر ویژگی‌های شاعر در بخش توصیف، وصف کیفیت درگیری‌ها و جنگ‌های پیامبر است. این سبک توصیف‌گری از نظر زمانی پیش از وقوع جنگ شروع می‌شود و با ایجاد زمینه در ذهن خواننده، او را وارد فضای جنگ می‌کند، نقطه اوج توصیفات صرفی به زمان جنگ و فرود توصیفات با اتمام صحنه نبرد است.

#### ۵-۵-۲- روایت نمایشنامه‌ای

صرفی در روایت برخی از صحنه‌ها، به‌ویژه زمانی که به توصیف احوال حضرت پیامبر می‌رسد، به آن شکل نمایشنامه‌ای می‌دهد و آن را با بیان جزئیات بیشتری بیان می‌کند:

بیارید باران و تر شد تمام لباس پیمبر علیه‌السلام

نهی خواسته تا شود خشک رخت کشید از بر و ماند بر یک درخت

خود آنجا پی استراحت غنود به یک‌ساعتی استراحت نمود

(همان: ابیات ۲۹۹۱-۲۹۹۳)

#### ۶-۵-۲- ترتیب روایت وقایع

تکنیک استفاده‌شده شاعر در چینش مطالب مغازی براساس «تاریخ حولیات» است. تاریخ حولیات (ترتیب حوادث بر پایه سال وقوع) که به صورت وقایع‌نگاشتی نیز معروف است (روزنتال، ج ۱: ۸۶) همان‌گونه که در قسمت بخش‌بندی محتوایی مغازی مطابق شکل‌ها بیان شد، صرفی از زمان حیات پدر و مادر حضرت پیامبر، انعقاد نطفه و... روایت اثر را شروع کرده و براساس روزشمار زندگی ایشان تا رحلت پیامبر مغازی را سروده است.

#### ۷-۵-۲- استفاده از تقویم‌های متعدد در متن

صرفی در روایت بخش‌های حساس، به‌ویژه مطالبی که از دید وی احتمال تحریف یا اشتباه وجود دارد، افزون‌بر تقویم قمری، از تقویم‌های خورشیدی و میلادی نیز در متن استفاده کرده است:

ولیکن به تأویل رفته کبار نمودند ماه ربیع اختیار

به روز دوشنبه کزین ماه بود پس از صبح صادق تولد نمود

به نیشان بزایید در یتیم ز دی‌ماه بود آن زمان هفدهم

ز عوام ششصد به قول صحیح گذشت آن زمان از زمان مسیح

(صرفی، همان: ابیات ۱۰۲۹-۱۰۳۲)

#### ۸-۵-۲- روایت ارهاصات (حوادث خارق‌العاده همزمان با تولد یا کودکی) پیامبر

شاعر افزون‌بر معجزات پیامبر، که به تفصیل درباره آنها شعر سروده، به روایت ارهاصات پیامبر نیز پرداخته است. صرفی در مغازی خود تقریباً، همه ارهاصات پیامبر را شرح داده است که نمونه‌هایی از آنها را بیان می‌کنیم: اطفای آتش فارس و قصه کسری، نگونسار شدن بت‌ها (ابیات ۱۰۳۶-۱۰۵۸). ارهاصات مربوط به ایام شیرخوارگی ایشان از جمله آنها افزایش شیردهی شتر لاغر ابن عباس (بیت ۱۰۷۶) و چابک شدن حیوان باربر (بیت ۱۱۱۰).

حلیمه بگفتی که نوری چو مهر فرود آمدی بر سرش از سپهر (همان: بیت ۱۱۶۹)

#### ۹-۵-۲- استفاده از لحن حماسی در روایت جنگ‌ها

صرفی برای سرودن مغازی، افزون‌بر روایت پرشور و ریزبینانه صحنه‌های نبرد و لشکرآرایی‌ها همانند فردوسی، از وزن شعری شاهنامه استفاده کرده است تا روحیه حماسی در متن را تقویت کند:

در این جیش برطیش انجم چشم مراکب زاسب و شتر بود کم

(همان: بیت ۲۵۰۸)

## ۱۰-۵-۲- تغییر لحن در زمان روایت شخصیت پیامبر

باتوجه به ارادت ویژه شاعر به حضرت رسول، زمانی که وی در برخی از روایت‌ها به نام پیامبر می‌رسد، متن از حالت تاریخی خارج شده و بار عاطفی و احساسی به خود می‌گیرد:

ز خاک رهش سرمه حور عین      بدان خاک ره تشنه ماء معین

(همان: بیت ۱۸۵)

## ۱۱-۵-۲- استفاده موقعیت محور از تکنیک ایجاز و اطناب

تاریخ‌نگاری در گذشته به دو شیوه مطنب یا موجزنویسی استوار بوده است؛ به این معنا که، نویسندگان در برخی تواریخ آن قدر به حاشیه می‌پردازند و از اصل ماجرا فاصله می‌گیرند که درک اصل وقایع بر خواننده دشوار می‌شود؛ حتی بعضی از مورخان تاریخ را بهانه‌ای برای فصل و هنرفروشی خویش قرار داده بودند (نجمی، ۱۳۸۶: ۱۴۹). در این اثر شاعر تقریباً، هیچ‌کدام از وقایع و حوادث زندگی پیامبر را فراموش نکرده است. نگاهی به حجم و موضوعات اشاره شده در این اثر تأییدکننده این مطلب است. وی برای خود، به عنوان شاعر، جایگاهی قائل نیست و کمتر ردپایی از من‌شاعر در متن می‌بینیم. با وجود اینکه شاعر راوی همه حوادث و رخدادهاست، برخی اوقات، به ویژه زمان بازگو کردن سخنرانی‌ها و خطبه‌های متعدد ایراد شده در زمان پیامبر، از بازگویی این گونه متن‌ها صرف‌نظر و با اشاره مختصر به موضوع مورد بحث از آن عبور می‌کند:

اگر شرح آن خطبه اینجا کنیم      خفیات آن را هویدا کنیم

نگنجد در این مختصر شرح آن      پس اولیست ز آن صوب حرف عیان  
(صرفی، همان: ابیات ۱۴۱۰-۱۴۱۱)

## ۱۲-۵-۲- تغییر زاویه دید

شاعر بنابر اقتضای روایت تاریخ، زاویه دید و روایت‌گری داستان را از «خود شاعر» به یکی از شخصیت‌های اصلی صحنه مورد روایت عوض می‌کند. این موضوع افزون‌بر ایجاد تنوع در روایت و دوری از یکنواختی، موضوع مورد روایت را برای خواننده باورپذیرتر می‌کند:

برون از طریق محبت مرو      ز عمار یاسر روایت شنو

(همان: بیت ۲۳۲۷)

## ۲-۶-۲- انعکاس تفکرات و اعتقادات شاعر در متن

هر اثری خواه ناخواه متضمن افکار، عقاید و اندیشه‌ها، بینش‌ها و جهان‌بینی پدیدآورنده است. خواننده در این اثر شاهد به تصویر کشیده شدن اعتقادات و عقاید شاعر در ضمن روایت تاریخ است.

### ۲-۶-۱- تفکرات صوفیانه

همان‌گونه که در بخش‌های نخست بیان شد، مدت زیادی از زندگی صرفی در فراگیری مباحث صوفیانه سپری شد و به یکی از صوفیان نامدار عصر خود تبدیل شد که این موضوع در آثار وی، به‌ویژه «مسلك الأخیار»، ملموس است. چنان‌که شعر صوفیانه او به‌مثابه گوهری در میان تألیفات عرفانی کشمیر قلمداد می‌شود (صرفی، ۱۳۹۳: ۱۶). باتوجه به اینکه «مغازی النبی» اثر صوفیانه‌ای نیست، ولی بخش‌هایی از این اثر به مباحث تصوف اختصاص دارد. البته، صرفی در روایت تاریخ حضرت رسول نیز از اصطلاحات و خط فکری صوفیانه استفاده کرده است:

سلوکی که خود کرده باشد تمام بود جذبه‌اش موجب انتظام

یکی سالکی کو ز جزیه تهی است کجا زانتهای رهش آگهی است  
(صرفی، نسخه شماره ۲۵۵۱۶: ابیات ۶۶۵۸-۹)

### ۲-۶-۲- تجلی افکار شیعی

در برخی آثار که به بررسی زندگی شیخ یعقوب پرداخته‌اند، وی را اهل تسنن دانسته‌اند، ولی ابیاتی در متن وجود دارد که ارادت خاص او به حضرت امیر و خاندان اهل بیت را نشان می‌دهد:

شد از کوری خارجی چشم من منور به خاک ره بوالحسن

ز حب علی و محبان او اگر رافضی گوئی‌ام گو بگو  
(همان: ابیات ۶۱۴۷-۶۱۴۸)

### ۲-۶-۳- انگیزه سرودن مغازی النبی

به نظم کشیده شدن این اثر، باتوجه به شواهد درون‌متنی، محصول اعتقاد و ایمان شاعر است؛ وی پیش از ورود به تاریخ پیامبر، در ابیاتی ضمن انتقاد از شاعرانی که ممدوح خود را پادشاهان و

امیران قرار داده‌اند، به ماجرای فردوسی اشاره می‌کند که شاهنامه را با امید دریافت صله از سلطان محمود سرود، ولی در نهایت، ناکام از دنیا رفت (همان: ابیات ۸۳۰-۸۳۴). صرفی انگیزه سرودن خود از «مغازی‌النبی» را نفع اخروی می‌داند که در کنار آن نفع دنیوی نیز شامل حالش خواهد شد: به این غزوها لایق این مثنوی است که هم نفع دنیوی و هم دنیوی است (همان: بیت ۸۳۷)

### ۳- نتیجه

در پاسخ به سوال مؤلفه‌های «مغازی‌النبی» به‌عنوان یک «منظومه تاریخی» چیست؟ حاصل پژوهش بیانگر آن است که شیخ‌یعقوب همانند مورخی محقق، تاریخ منظوم خود را براساس مستندات مختلف تنظیم کرده است و از «روضه‌الاحباب» و «صحیح بخاری» به‌عنوان منابع اصلی نام می‌برد؛ تکنیک استفاده شده شاعر در چینش مطالب، بر پایه «تاریخ حولیات» و روزشمار زندگی پیامبر است که این شکل از روایت گونه‌ای از «وقایع‌نویسی منظوم» است؛ صرفی در روایت تاریخ زندگی پیامبر افزون‌بر بیان تاریخ به تحلیل وقایع و اتفاقات، بررسی زمینه‌های شروع غزوه‌ها و سریه‌ها نیز پرداخته است. او تقریباً، همه وقایع و اتفاقات زمان پیامبر و شخصیت‌های مشهور و گمنام آن زمان را به تصویر می‌کشد و با توصیف دقیق و جزئی‌نگرانه، مخاطب را آگاه می‌کند؛ افزون‌بر روایت تاریخ، شاعر به بیان شأن نزول آیات، احادیث، برخی روایات، ارهاصات و معجزه‌های پیامبر پرداخته است. در پاسخ به سوال دوم که شیوه روایت صرفی از تاریخ زندگی پیامبر چگونه است؟ شاعر برخلاف عنوان کتاب «مغازی»، از تمام وقایع زندگی پیامبر سخن گفته است. با بررسی آماری به طور دقیق می‌توان گفت که بیش از ۶۹ درصد مطالب کتاب به زندگی و جنگ‌های پیامبر اختصاص دارد که از این میان، روایت پیش از ولادت پیامبر ۲.۶ درصد، نوزادی تا خردسالی ۵ درصد، جوانی تا بعثت ۱.۷ درصد، بعثت تا هجرت ۱۲.۶ درصد، سال‌های اول تا چهارم هجرت در مجموع ۲۸.۲ درصد، سال‌های پنجم تا هشتم هجرت ۳۴.۱ درصد و سال‌های نهم تا یازدهم هجرت ۱۵.۸ درصد است؛ بقیه مطالب به حمد خداوند، زندگی و اعتقادات شاعر و... اختصاص دارد؛ در «مغازی» صورخیال شاعرانه و تصاویر ارائه شده مبتنی بر «سنت ادبی» است و نوآوری ویژه‌ای در آن دیده نمی‌شود، زیرا هدف روایت منظوم زندگی پیامبر با زبانی ساده است؛ تاریخ منظوم صرفی در بخش‌هایی متأثر از افکار و اندیشه‌های شیعی است و



با احترام از امام علی و معصومان یاد می‌کند؛ به دلیل ریشه‌های فکری صوفیانه شاعر، خواننده در متن شاهد تفکرات متصوفه است.

#### ۴- منابع

- ۱- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. *الاصابه فی تمییز الصحابه*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- ۲- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایه و النهایه*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ ق.
- ۳- ابن هشام حمیری معافری، *السیره النبویه*، بیروت: دار المعرفه، بی‌تاریخ.
- ۴- اسلامی، مهدی؛ رشیدی آشجردی، مرتضی؛ چترائی عزیزآبادی، مهرداد، *معرفی نسخه خطی «مغازی النبی» و سبک‌شناسی آن*، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، دوره ۱۰، شماره ۲ (پی در پی ۳۶)، صص ۱- ۱۸، تهران: تابستان ۱۳۹۶.
- ۵- بدوانی، عبدالقادر، *منتخب التواریخ*، تصحیح: احمد علی صاحب، کلکته، ۱۸۶۹ م.
- ۶- تیکو، گرداری لعل، *برگزیده پارسی سرایان کشمیر*، تهران: انجمن ایران و هند، ۱۳۴۲.
- ۷- جعفریان، رسول، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، تهران: علم، ۱۳۷۶.
- ۸- الدوری، عبدالعزیز، *نشاء علم التاریخ عند العرب*، بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه، ۲۰۰۷ م.
- ۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۰- روزنتال، فرانس، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی، ج ۱، ۱۳۶۵.
- ۱۱- سبحانی، جعفر، *کلیات علم رجال*، ترجمه مسلم قلی‌پور و علی‌اکبر روحی، قم: قدس، ۱۳۸۵.
- ۱۲- سلیمی، مینو، *روابط فرهنگی ایران و هند*، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۲.
- ۱۳- صدیق حسن‌خان، محمدصدیق، *تذکره شمع انجمن*، تصحیح و تعلیقات: محمدکاظم کهدویی، یزد: دانشگاه یزد، ۱۳۸۵.
- ۱۴- صرفی، یعقوب، *مسلك الأخیار*، مقدمه و تصحیح محمودحسن‌آبادی و محمدعلی زهرازاده، مشهد: مرنديز، ۱۳۹۳.

- ۱۵- \_\_\_\_\_، **مغازی النبی**، نسخه خطی به شماره ۲۵۵۱۶ کتابخانه ملی ایران.
- ۱۶- صفا، ذبیح‌الله، **تاریخ ادبیات در ایران**، تهران: فردوس، چاپ هشتم، ۱۳۷۸.
- ۱۷- طبری، محمدبن جریر، **تاریخ الرسل والملوک**، ج ۲، بیروت: دارالتراث، چ دوم، ۱۳۸۷ق.
- ۱۸- ظفرخان، محمد، **مغازی النبی**، مجله هلال، شماره ۱۱۵، ۱۳۵۰.
- ۱۹- عاشقی عظیم‌آبادی، حسین قلی‌خان، **تذکره نشتر عشق**، تصحیح و تعلیقات: سیدکمال حاج‌سید جوادی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۱.
- ۲۰- عرفانی، خواجه‌عبدالحمید، **تذکره شعرای پارسی‌زبان کشمیر**، مقدمه: شفق و ناظرزاده کرمانی، تهران: کتاب‌فروشی ابن‌سینا، ۱۳۳۵.
- ۲۱- غفاروا، ضمیره، «**خداوندگار پنج گنج و هفت بیت؛ نگاهی به روزگار و آثار صرفی کشمیری**»، جانب هندوستان آید همی، صص ۱۹۶-۲۰۹، دهلی نو: مرداد ۱۳۹۰.
- ۲۲- فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، چ دوم، قم: هجرت، ۱۴۰۹.
- ۲۳- مردای نسب، حسین، **موسی بن عقبه پیشگام در سیره‌نویسی**، قم: نشاط، ۱۳۸۲.
- ۲۴- نجمی، شمس‌الدین، **نگاهی نو به تاریخ بیهقی**، مجله مسکویه، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۴۳-۱۵۹، دانشگاه آزاد شهر ری: بهار ۱۳۸۶.
- ۲۵- نصرالهی، یدالله و عباس‌زاده، بهزاد، **شگردها و تکنیک‌های تاریخ‌نگاری بیهقی**، بهارستان سخن، سال سیزدهم، شماره ۳۱، صص ۲۰۱-۲۲۶، تهران: بهار ۱۳۹۵.
- ۲۶- نفیسی، سعید، **تاریخ نظم و نثر در ایران (تا قرن یازدهم)**، تهران: فروغی، ۱۳۶۳.
- ۲۷- وظیفه‌دان‌ملاشاهی، فاطمه، **کشمیر و زبان فارسی**، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۱۳۹-۱۶۰، دانشگاه سیستان و بلوچستان: بهار ۱۳۹۳.
- ۲۸- یعقوبی، مهدی و منتظری‌مقدم، حامد، **بررسی دانش مغازی‌نگاری با تأکید بر مغازی واقدی**، معرفت، سال بیست و سوم، شماره ۱۹۶، صص ۱۰۱-۱۱۶، تهران: فروردین ۱۳۹۳.